

## مجازات جرم نسل‌کشی از منظر فقه و نظام بین‌المللی کیفری

عزیزه بهلولی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نویسنده مسئول: azambohlouli88@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵

### چکیده

هدف از انجام مقاله حاضر تبیین جرم نسل‌کشی در نظام کیفری اسلام و نظام بین‌المللی کیفری است و مسأله ما در این مقاله مقایسه این دو نظام می‌باشد. یافته‌های مقاله حاضر از این قرار است که؛ مجازات جرم نسل‌کشی در اسلام و نظام بین‌المللی کیفری با توجه به مؤلفه‌ها و مبانی حقوقی و زمینه‌های تاریخی این جرم، دارای تفاوت‌هایی است، که از جمله مهمترین آن عبارتند از؛ عدم جرم‌انگاری صحیح این جرم در اسلام، که به صورت صریح جرم‌انگاری نشده است. لذا برای شناسایی جرم نسل‌کشی در اسلام باید به آیات و روایات و سیره اهل سنت (ع) و مبانی فقهی رجوع کنیم. برخلاف ماده ۶ اساسنامه (ICC) که عناصر مادی و معنوی این جرم را معین نموده است. نکته قابل ذکر این است که برخی از کشورهای اروپایی به بهانه‌های حقوق بشری از اجرای احکام حبس ابد، که از سوی دیوان بین‌المللی کیفری صادر شده است، سر، باز میزنند، که همه این موارد نوعی تعلیق و ابهام در اجرای احکام صادره دیوان را موجب شده است. آیات و روایات متعددی در حرمت خون انسانها اعم از مسلمان و غیر مسلمان و حتی حیوانات وارد شده که به طریق اولی دلالت بر اتمام اسلام به حرمت سنگین بودن جرم نسل‌کشی دارد. (مثل ایه شریفه ۳۳ از سوره اسرا). واز نسل‌کشی در ایه شریفه ۳۲ از سوره مائده به عنوان مهمترین مصادیق افساد در زمین نام برده شده است. همچنین تعیین مجازات برای این جرم و مجازات حبس ابد یا حبس‌های نامحدود و نامشخص باشد که در دیوان بین‌المللی کیفری صادر گردد که، یکی دیگر از تفاوت‌های این دو نظام می‌باشد. و دیگری قدمت و دقت قواعد جنگی و بشردوستانه اسلام نسبت به نظام بین‌المللی کیفری در پرداختن به جرم نسل‌کشی است.

**کلیدواژه:** مجازات، جرم نسل‌کشی، فقه، دیوان بین‌المللی کیفری ICC، حبس

### مقدمه

همانطور که در نظام اسلام به صورت صریح جرم نسل‌کشی، جرم‌انگاری نشده است. لذا برای شناسایی جرم نسل‌کشی در اسلام باید به آیات و روایات و سیره اهل سنت (ع) و مبانی فقهی رجوع کنیم. اسلام بسیار حساس و ریزبینانه به موضوع نگرسته، دقت و قدمت قواعد بشردوستانه و حقوق جنگ در اسلام نسبت به نظام بین‌المللی کیفری قابل توجه می‌باشد. در حالی که کشتار بیرحمانه و وحشتناک گروه‌های ملی، قومی، مذهبی و نژادی در طول تاریخ، به‌ویژه در قرن بیستم، زمینه‌ساز ورود واژه نوظهور نسل‌کشی به ادبیات حقوق بین‌الملل جزائی و جرم‌انگاری آن گردید و مجازات این جرم در اساسنامه ICC حبس و یا حبس‌های نامحدود و نامشخص می‌باشد و نیز مصادیق جرم نسل‌کشی در ماده ۶ اساسنامه مذکور تعریف شده است. در این مقاله به دنبال روشن شدن تفاوت‌های میان نظام حقوق اسلام مبتنی بر فقه امامیه و نظام بین‌المللی کیفری می‌باشیم. لذا هدف اصلی این مقاله روشن شدن ابعاد این مسأله است.

### ۱- مفاهیم:

#### ۱-۱- مجازات؛

مجازات در لغت به معنای جزا و کیفر است و در اصطلاح حقوقی از گذشته تعاریف و تعبیر متعددی از آن شده است که اغلب منشأ، عرفی و مذهبی و فطری دارند (سایت اسلام دین امن است). مجازات در اصطلاح حقوقی ما طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. براساس این ماده جرم و مجازات لازم و ملزوم هم‌اند بدین شرح که هر کجا جرمی حادث شود

با مجازاتی تعیین و هر کجا مجازاتی صورت پذیرد پای جرمی در میان است. با این تفصیل می‌توان مجازات را این گونه تعریف کرد: مجازات عقوبت ناشی از فعل یا ترک فعل است که قانون‌گذار آن را جرم به حساب آورده (سایت اسلام دین امن است).

#### ۲-۱- جرم؛

جرم در لغت به معنای گناه، بزه و خطا بوده و از جرم به ذنب، اثم، سیئه، عصیان و معصیت نیز تعبیر می‌شود (سایت اسلام دین امن است). جرم در اصطلاح عبارت است از هر عملی که در شرح ممنوع و دارای کیفر دنیوی، همچون حد، تعزیر، قصاص، دیه و کفاره و یا اخروی باشد؛ خواه در ارتباط با خود مجرم باشد، مانند ترک نماز و روزه و نوشیدن شراب و یا در ارتباط با دیگری، همچون ضرب و جرح و کشتن کسی. بنابراین، جرم در اصطلاح فقهی مترادف معصیت است (سایت اسلام دین امن است).

#### ۳-۱- نسل‌کشی؛

نسل‌کشی یا کشتار جمعی معادل کلمه ژنوساید است که از کلمات ژنو<sup>۱</sup> به معنای نژاد یا نسل و ساید<sup>۲</sup> به معنای کشتن ترکیب یافته است. این واژه اولین بار در سال ۱۹۳۳ به وسیله حقوقدان لهستانی به نام رافائل لیمکن، برای توصیف جنایاتی که به ناپودی تدریجی گروه‌های انسانی می‌انجامید، به کار رفت (Raphael: 1947, 41). واژه نسل‌کشی برای شرح اعمال بی‌رحمانه جنایتکاران آلمان نازی در محاکمات نورنبرگ استفاده شد. نسل‌کشی عبارت است از هرگونه اقدام و مبادرت جهت نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت گروهی، نژادی، قومی، ملی، ایدئولوژیکی. آن زمانی که تعبیرهای جزئی در مورد نسل‌کشی تغییر می‌کرد اولین تعریف قانونی این عمل در بیانیه سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ حول «جلوگیری و مجازات جرم نسل‌کشی» شکل گرفت. تصویب معاهده بین‌المللی پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نهم دسامبر ۱۹۴۸ و الحاق کثیری از کشورهای جهان به معاهده مذکور، باعث محکومیت گسترده این جنایت در جامعه بین‌المللی گردید. ماده ۲ معاهده که عیناً در مواد ۲ و ۴ اساسنامه‌های دیوان‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و ماده ۱۶ اساسنامه بین‌المللی کیفری مورد اقتباس قرار گرفته است، نسل‌کشی را به شرح ذیل تعریف می‌کند: منظور از نسل‌کشی هر یک از اعمال مشروحه زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد:

(الف) قتل اعضای یک گروه؛

(ب) ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه؛

(ج) قرار دادن عمدی یک گروه در شرایط زندگی نامناسب که منتهی به زوال قوای جسمی تمام یا قسمتی از آن گروه شود؛

(د) تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد در گروه؛

(ه) انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر (اردبیلی و دیگران، ۱۳۸۳، ۳).

درخصوص این تعریف ایراداتی قابل بیان است. در ماده ۱۶ اساسنامه از گروه‌های سیاسی و اجتماعی نامی برده نشده، در حالی که این گروه‌ها نیز می‌توانند مجنی علیه جرم مذکور باشند. دولت‌ها ممکن است از این نقص و خلأ سوء استفاده کنند. شکل بودن احراز عنصر معنوی جرم که همان قصد خاص برای از بین بردن و ریشه‌کن کردن یک گروه خاص است و اثبات آن مستلزم کند و کاو در ذهن و قوای دماغی مجرم است که عملاً محال می‌نماید. عبارت «قسمتی از گروه» نیز مبهم است و معلوم نیست که چه تعداد از افراد گروه باید مورد جرم قرار گیرند. به نظر می‌رسد با وجود عنصر معنوی حتی کشتن یک نفر از اعضای گروه مصداق جرم نسل‌کشی باشد (اردبیلی، ۱۳۶۸، ۶۱).

#### ۴-۱- اسلام؛

اسلام در لغت به معنای تسلیم شدن و گردن نهادن است (صحیح مسلم، ۸). اسلام در اصطلاح به معنای تسلیم شدن و اعتراف نمودن به یگانگی الله واحد و اطاعت او تعالی در همه اوامر و نواهی‌اش، و دوری جستن و بی‌زاری از هرگونه شرک است (صفحه اسلام دین امن است) (صحیح مسلم، ۸).

#### ۵-۱- نظام بین‌المللی کیفری؛

«دیوان بین‌المللی کیفری» اولین دادگاه «دائمی» در حوزه مسائل کیفری در سطح بین‌المللی است که برای پایان بخشیدن به «فرهنگ بی‌کیفری» ناقضان «حقوق بشر دوستانه» و مرتکبان شدیدترین جرایم بین‌المللی فراهم می‌آورد، تأسیس شده است. و از حیث ماهوی یک سازمان بین‌المللی می‌باشد

<sup>1</sup>. Genos.

<sup>2</sup>. Cide.

که بر ساخته یک معاهده بین‌المللی یعنی «اساسنامه رم» است. این سازمان مستقل و فاقد وابستگی نهادی به سازمان ملل متحد است. مقر دیوان در لاهه هلند مستقر می‌باشد و هزینه‌های آن نیز به صورت عمده از سوی دولت‌های عضو تأمین می‌شود (سایت مرکز حقوق کیفری بین‌المللی).

## ۲- مجازات جرم نسل‌کشی در اسلام و در دیوان بین‌المللی کیفری

(کانال تلگرام پرسش کده تلگرام - پرمسان برگرفته از پرمسان مصادیق جرم نسل‌کشی در اسلام)

### ۱-۱-۲- مصادیق نسل‌کشی در اسلام

نسل‌کشی به‌عنوان یکی از جرایم بین‌المللی است که خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم مورد اهتمام دولت‌ها و ملت‌ها قرار گرفته و لذا کنوانسیون‌های متعددی در جهت تعریف و شرایط و چگونگی آن به تصویب کشورهای جهان رسیده است و دارای مصادیق متعددی است. نسل‌کشی شکل فجیع و گسترده جرایمی است که به صورت ماهوی زشت و ناپسند است. اگر بخواهیم به شیوه تطبیقی در آیات و روایات در این موضوع بپردازیم می‌توان بر چند دسته از آیات و روایات در خصوص مواردی که می‌تواند به نسل‌کشی یا جنایات علیه بشریت و دیگر جرایم جنگی منتهی شود اشاره کرد که فهرست‌وار خدمتتان ارائه می‌کنیم: (کانال تلگرام پرسشکده)، (برگرفته از سایت پرمسان).

### ۱-۱-۲-۱- قیاس اولویت نسل‌کشی نسبت به قتل؛

نسل‌کشی یکی از مصادیق فجیع قتل و نوعی اسراف در قتل و خونریزی است. آیات و روایات متعددی در حرمت خون انسان‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان و حتی حیوانات وارد شده که به طریق اولی دلالت بر اهتمام اسلام به حرمت سنگین بودن جرم نسل‌کشی دارد. آیه شریفه ۳۳ اسرا در این زمینه عنوان می‌دارد: (و لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ اَلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ اِنَّهٗ كَانَ مَنصُورًا). و نفسی را که خداوند (در همه شرایط به وی مصونیت داده و کشتن آن را) حرام نموده، جز به حق (مانند موارد قصاص، ارتداد و حدود شرعی) نکشید. و کسی که مظلوم کشته شود ما حتماً برای ولی او تسلطی قرار داده‌ایم (که می‌تواند قصاص کند یا دیه بگیرد یا عفو کند) پس او نباید در کشتن اسراف کند (شکنجه و مثل تشریح این حکم) یاری شده است (و شخص قصاص شده نیز در مقدار بیش از محکومیت، مورد یاری ما قرار دارد).

### ۱-۱-۲-۲- تقبیح شدید افساد در ارض؛

نسل‌کشی از مهمترین مصادیق افساد در زمین است. آیه شریفه ۳۲ سوره مائده در این مورد می‌فرماید: (مَنْ اَجَلَ ذٰلِكَ كَتَبْنَا عَلٰى بَنِي اِسْرٰئِیْلَ اَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ اَوْ فْسَادٍ فِی الْاَرْضِ فَكَانَ مَثَلًا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیْعًا وَمَنْ اَحْيَاهَا فَكَانَ مَثَلًا اَحْيَا النَّاسَ جَمِیْعًا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنٰتِ ثُمَّ اِن كَثِیْرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ فِی الْاَرْضِ لَمُسْرِفُوْنَ). (بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بیم آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده. و هر آینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از آن رسولان باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند).

### ۱-۱-۲-۳- قواعد محدودکننده در جنگ و جهاد دفاعی و ابتدایی؛

یکسری قواعد و اصولی وجود دارد که همگی آنها از آیات و روایات استنباط می‌گردد و برطبق آن محدودیت‌هایی و مقرراتی برای جنگ وضع شده که نتیجه آن دور شدن از جرایم جنگی و نسل‌کشی است.

### ۱-۱-۲-۴- منع استفاده از سلاح شیمیایی؛

در روایتی از ابی عبدالله (ع) از امام علی (ع) نقل شده است: رسول الله (ص) از کاربرد سم در سرزمین مشرکین نهی کرده است نهی رسول الله (ص): آن یلقی السم فی بلاد المشریکن (بحار، ج ۱۹، صص ۱۷۷-۱۷۸).

### ۱-۱-۲-۵- عدم تعرض به صومعه نشینان و دانشمندان؛

پیامبر اسلام (ص) در اعزاز نیروهای مسلح برای جنگ موته توصیه‌های مهمی به سپاه اسلام داشت و یکی از این توصیه‌ها عدم تعرض به دانشمندان و نمایندگان مذاهب بود که موضع بی طرفی در جنگ داشتند؛ .... و ستجدون فیها رجالاً فی الصوامع معتزلین الفاسفلا تعرضوا لهم (بحار، ج ۲۱، ص ۶۰).

**۳-۱-۵- منع از تعرض به پیران، کودکان و زنان و...:**

پیامبر (ص) توصیه فرمود به پیران و زنان و کودکان تعرض نشود (بحار، ج ۹۷، ص ۲۵). امام علی (ع) در توصیه‌هایی به یاران خود در جنگ جمل گفت: شما شروع نکنید تا آنان شروع کنند. به زخمی‌ها حمله نکنید. فراریان را تعقیب نکنید. کشف عورت نکنید. کشتگان را مثله نکنید، به کاروان‌های غیرنظامی هجوم نبرید. داخل خانه‌ها نشوید و زنان را هر چند که به شما پرخاش کنند مورد ضرب و شتم قرار ندهید (بحار، ج ۳۲، ص ۲۱۳).  
 عن علی بن الحسین (ع): إن رسول الله (ص) نهی عن قتل انساء و الولدان فی دار الحرب الا ان تقاتل. و ان قاتلت ایضاً فأمسک عنها ما امکک (ج ۹۷، ص ۶۵).

**۳-۱-۶- منع از آسیب زدن به حیوانات و قطع درختان و آتش زدن مزارع و تخریب بناها و آبادی‌ها:**

از آنجایی که از بین بردن حیوانات و درختان و مزارع و آبادی‌ها ممکن است به نوعی سبب انتقال نسل و قبیله و یا حتی از بین رفتن آنها باشد این کار در روایات به شدت نهی شده است. پیامبر اسلام (ص) نیروهای نظامی را از آسیب زدن به حیوانات حلال گوشت را نیز جز به اندازه نیاز ذبح نکنند؛ و لا تعقدوا من البهائم هما یوکل لحمه الا مما لا بد من اكله (بحار، ج ۱۹، ص ۱۷۹). در روایات بسیاری از قطع درختان و به‌ویژه درختان میوه و آتش زدن مزارع منع شده است. و لا تقطعوا شجرا مثمرأ، و لا تحرقون زرعأ (بحار، ج ۱۹، ص ۱۷۹). و فقط در یک مورد هم از جواز قطع درخت غیر میوه/ غیرمثمر آن هم در شرایط اضطرار سخن گفته شده است (بحار، ج ۹۷، ص ۲۵). پیامبر اسلام (ص) در روایتی در دستور العملی به نظامیان فرمود: بناها را ویران نکنید؛ و لا تهد من بناء (بحار، ج ۲۱، ص ۶۰). در روایتی از علی (ع) توصیه شده است که: نظامیان نباید به آب‌های خصوصی مالکان خصوصی دست اندازی کنند، و بی اجازه از آبپاشان ننوشند. و لا تستأثرن علی اهل میاه بمیاهم، و لا تشرین ما میاهم الا بطیب، نفسهم (بحار، ج ۳۴، صص ۲۵-۱۶) اموال و چهارپایان کسی را غصب نکنید (همان، ص ۱۳).

**۳-۱-۷- منع ترور / فتک:**

منابع اسلامی از منع ترور و عملیات غافلگیرانه حکایت حکایت دارد. در روایتی از مسلم بن عقیل از حضرت رسول (ص) آمده است: الایمان قید الفتک (بحار، ج ۴۴، ص ۳۴۴). در روایت دیگری از ابی عبدالله (ع) با تغییر در تعبیر آمده است: ان الاسلام قید الفک (همان، ج ۴۷، ص ۱۳۷). علامه مجلسی در توضیح مفهوم فتک می‌نویسد: الایمان قید الفتک. ای الایمان یمنع من الفتک، کما یمنع القید عن التعرف، و الفتک عن یأتی الرجل صاحبه و هو غارٌ غافل فسید علیه فیقتله (همان).

**۳-۱-۸- رعایت حقوق اسیران:****۳-۱-۹- منع از عهد / پیمان شکنی:**

منابع اسلامی به شدت و مکرر از پیمان شکنی و نقض عهد نکوهش نموده است. در مکتوبی از رسول الله (ص) تأکید شده است؛ و اذا نقضوا العهد سلط الله علیهم عدوهم (بحار، ج ۷۰، ص ۳۶۹). علامه مجلسی در توضیح روایت اضافه کرده است؛ و الظاهر ان المراد بالعهد المعاهده مع الکفار (همان، صص ۳۷۰-۳۷۱). از امام موسی کاظم (ع) از پدرانیش و از رسول خدا (ص) نقل شده است: لا دین لمن لا عهد له (بحار، ج ۷۲، ص ۹۶).

**۳-۱-۱۰- نهی از مکر و نیرنگ:**

عن ابی عبدالله (ع): لا ینبغی للمسلمین أن یعدروا، و لا یأمرؤا بالعدر، و لا یقاتلوا مع الذین غدروا. (بحار، ج ۷۲، ص ۲۸۹).

**۳-۱-۱۱- قانون مقابله به مثل:**

علامه مجلسی در بحار الأنوار به آیات قرآنی زیادی در باب مقابله به مثل اشاره می‌کند؛ فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم (نحل/۳۹). و جزاء سیعه سیعاً... وی عقاید مذهبی مهاجمان، دستور مقابله به مثل می‌دهد: امام علی (ع)؛ ردّ و الحجر من حیث جاء فان الشر لا یدفعه الا الشر (بحار، ج ۷۲، ص ۲۱۲). حرمت زیر آب بردن منطقه (تسلیط المیاه) شبیخون (اغاره)، آتش کشیدن منطقه (رمی النار) - کشاندن به شهرها (هدم الدور) - شکنجه و یا کشتن اسیران جنگی و ... از دیگر مواردی است که در روایات به آن اشاره شده و به‌طور مفصل در کتب فقهی عنوان گردیده است. این موارد در کتاب فقه سیاسی آیت الله دکتر عباسعلی عمید زنجانی ج ۵ و ۶ هم آمده است (برگرفته از سایت پرسمان).

## ۲-۲- مصادیق جرم نسل‌کشی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

الف) کشتن اعضای گروه

ب) ایراد صدمه شدید جسمانی یا روانی به اعضای گروه؛

به رغم عدم تعریف این نوع آسیب در کنوانسیون نسل‌کشی و اساسنامه دیوان، رویه‌ی قضایی هر نوع عمل مستلزم تغییر در اندام‌های بدن و مغل حواس شخص، در قالب اعمالی چون شکنجه، رفتارهای خشونت‌آمیز غیرانسانی و تجاوز به عفت را، تظاهر آسیب شدید جسم و هر اقدام منجر به اختلال در وضعیت روانی و مستولی شدن ترس و وحشت فزاینده بر وی را معیار آسیب روانی پنداشته است (پرونده روزیندا، پاراگراف ۱۰۷). مسبوق بودن آسیب شدید روحی به آسیب جسمی شرط نبوده و مستقل از آن نیز امکان تحقق دارد. مجبور کردن قربانی به دراز کشیدن در جلوی وسیله نقلیه و تهدید به راندن بر روی او، وادار کردن قربانی به کتک زدن قربانی دیگر و بستن دو قربانی به یکدیگر به منظور جفگی یکی از آنها، از اعمالی هستند که باعث ورود آسیب شدید جسمی یا روحی می‌گردند (کریانگ ساک، ۱۳۸۳، ۱۱۳).

ج) تحمیل عمدی شرایط زیستی نامناسبی به گروه که منتهی به زوال جزئی یا کلی آن شود؛

ممانعت از تغذیه، انهدام سیستماتیک محل‌های مسکونی، اخراج منظم، کار شدید، عدم مراقبت بهداشتی و پزشکی و گسیل داشتن به بیابان‌ها و مناطق بسیار بد آب و هوا، گونه‌ی دیگری از شیوه‌های انهدام پلکانی یا مرگ تدریجی گروه است. با توجه به بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون و بند ج ماده ۶ اساسنامه، تحقق این نوع جنایت در پرتو تحمیل شرایط زیستی نامناسب، تعلق قربانی یا قربانیان به یک گروه ملی، قومی، نژادی، مذهبی، قصد نابودی کلی یا جزئی گروه و زوال کلی یا جزئی توان جسمی میسر خواهد بود؛ لیکن نظر به این که ملازمه‌ی آسیب شدید روانی بزه دیدگاه در پرتو استقرار در چنین تنگنایی اجتناب‌ناپذیر است، عدم توجه به آن، محل تأمل است. در میان موارد متعدد نسل‌کشی از این طریق، می‌توان به بند ۲ کیفرخواست صادره در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۵ پیرامون اتهامات و اقدامات «رادوان کاراد ریچ» اولین رئیس جمهور دولت صرب بوسنی در پاله از ۱۳ می ۱۹۹۲ اشاره کرد که در فرازی از آن، به نگر داشتن مسلمانان و کروات‌های بوسنی در شرایط نامناسب زیستی و غیرانسانی اشاره کرده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۱).

د) تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل در میان گروه؛ از دیگر جلوه‌های نسل‌کشی، جلوگیری از تولد و تناسل در یک گروه خاص با تمسک به شیوه‌های ضد بشری از قبیل سقط جنین، جداسازی زنان و مردان از یکدیگر، ممانعت از ازدواج، عقیم کردن و قطع آلت تناسلی است (پرونده روتا گاندا، ۱۹۹۶، پاراگراف ۶۰).

ه) انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر؛

مطلوب‌ترین زمان ممکن برای تأثیرپذیری فرهنگی، مقطع کودکی است، بر پایه‌ی این حقیقت، جانین نسل‌کشی با کوچاندن و ربودن کودکان به گروه دیگر، از مهیا بودن آنان برای جذب فرهنگ میزبان بهره‌گیری کرده تا به تدریج انسجام درونی و پایه‌های هویت گروه مربوط متزلزل شود و سرانجام رو به زوال گذارد. در این قسمت، بار دیگر برانگیزه‌ی مرتکبان از این حیث تأکید می‌گردد که اگر ربایش کودکان به منظور گفته شده صورت پذیرفته باشد، نسل‌کشی محسوب می‌شود؛ و الا اگر برای مقاصد دیگری مانند بهره‌کشی جنسی انجام گرفته باشد، قاچاق انسان تلقی می‌گردد. همچنین انتقال اجباری اشخاص کمتر از هجده سال با هر انگیزه‌ای، مشمول نسل‌کشی نبوده و در جایگاه جنایت علیه بشریت قابل بررسی خواهد بود (بیگزاده، ۱۳۷۶، ۹۷).

## ۳- مجازات‌های دیوان بین‌المللی کیفری و اسلام در خصوص جرم نسل‌کشی

به نظر می‌رسد مجازات جرم نسل‌کشی در اسلام قصاص یا به نوعی اعدام باشد. و نیز مجازات جرم نسل‌کشی در اسلام و دیوان بین‌المللی کیفری با توجه به مؤلفه‌ها و مبانی حقوقی و زمینه‌های تاریخی این جرم دارای تفاوت‌هایی از جمله در زمینه مجازات، جرم انگاری و قدمت تاریخی باشند. به نظر می‌رسد مجازات جرم نسل‌کشی در نظام بین‌المللی کیفری شامل حبس ابد یا حبس‌های نامحدود و نامشخص باشد که می‌تواند توسط دیوان بین‌المللی صادر گردد. و نیز علاوه بر حبس، دستور پرداخت جریمه براساس قواعد ادله و دادرسی و مصادره عواید، اموال و دارایی‌های ناشی از جرم نیز صادر کند (موسی‌زاده و اکبری‌ان، ...). در قرآن مجازات مرگ تجویز نشده مگر در خصوص قصاص نفس که یک حق خصوصی و قابل گذشت است. بر مبنای آموزه‌های اسلامی حقوقی به دو دسته تقسیم می‌کنند؛ (حق الناس) و (حق الله) و گفته می‌شود که خداوند تنها توبه در حق الله را می‌پذیرد و در حق الناس تا زمانی که رضایت صاحب حق حاصل نشود توبه پذیرفتنی نیست (آشوری، محمد، عدالت کیفری، ص ۲۰۵).

### نتیجه‌گیری:

به نظر می‌رسد مجازات جرم نسل‌کشی در اسلام و نظام بین‌المللی کیفری با توجه به مؤلفه‌ها و مبانی حقوقی و زمینه‌های تاریخی این جرم، دارای تفاوت‌هایی است. اولین تفاوت این است که؛ نسل‌کشی به صورت صریح در اسلام جرم انگاری نشده است، برخلاف ماده ۶ اساسنامه ICC که دقیقاً اجزا و عناصر مادی و معنوی این جرم را در بستر نظام بین‌المللی کیفری (طبق عرف بین‌المللی) تعریف کرده است. لذا برای شناسایی جرم نسل‌کشی در اسلام باید به آیات و سیره اهل بیت (ع) و مبانی فقهی رجوع کنیم. تفاوت بعدی در بحث مجازات‌های مربوط به جرم نسل‌کشی می‌باشد. در اسلام مجازات در

نظر گرفته شده برای جرم نسل‌کشی با توجه به مبانی فقهی و قرآنی، در صورتی که مجنی علیه انسان‌ها باشند، تنها اعدام می‌باشد، چرا که اعدام صرفاً با اقامه دعوا از جانب مدعی العموم واقع می‌شود و اعدام سالب حیات می‌باشد. چرا که جرم نسل‌کشی در اسلام ناظر بر کشتن، انسان‌های بی دفاع می‌باشد. این در حالی است که مجازات در نظر گرفته شده برای جرم نسل‌کشی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، تنها حبس‌های ابد و نامحدود می‌باشد و به هیچ عنوان بحثی در خصوص اعدام مطرح نیست، اما باید گفت که در برخی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی قرن بیستم (مانند دادگاه نورنبرگ)، مجازات اعدام در احکام نهایی آنها آمده است که برخی از این احکام اجرا شده‌اند و برخی نیز به مرحله اجرا نرسیدند. نکته قابل ذکر این است که برخی از کشورهای اروپایی بهانه‌های حقوق بشری از اجرای احکام حبس ابد، که از سوی دیوان بین‌المللی کیفری صادر شده است، سر باز می‌زنند، که همه این موارد نوعی تعلیق و ابهام در اجرای احکام صادره دیوان را موجب شده است. تفاوت بعدی نیز ناظر بر قدمت و دقت قواعد بشردوستانه و حقوق جنگ در اسلام نسبت نظام بین‌المللی کیفری است. در حالی که اسلام از قرن‌ها پیش قواعد و حساسیت‌های خود را نسبت به کرامت انسان‌های بی گناه و حفظ محیط زیست و نسل‌های بشری در میادین جنگی اعلام کرده است. نظام بین‌المللی کیفری، تنها در دهه‌های اخیر است که موفق به تدوین و مدون سازی قوانین بین‌المللی در خصوص جرم نسل‌کشی در قالب دادگاه‌های کیفری قرن بیستم و نهایتاً در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در سال ۱۹۹۸ شده است.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم

آشوری، محمد، عدالت کیفری، ۱۳۸۴، تهران، گنج دانش.

اردبیلی، محمدعلی، کشتار جمعی، ۱۳۶۸، مجله حقوقی، ش ۱۱.

بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۶)، بررسی جنایات نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۲.

سایت اسلام دین امن است، عنوان مطلب، از اسلام بدان، تاریخ بارگذاری: ۱۹ می ۲۰۱۵، تاریخ مراجعه ۹۷/۳/۳.

سایت مرکز حقوق کیفری بین‌المللی، عنوان مطلب، دستاوردهای شانزدهمین مجمع دول عضو دیوان کیفری بین‌المللی، مهدی هادی ذاکر حسین، تاریخ مراجعه ۹۷/۳/۳.

سایت پرسمان.

عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی (اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه (جهاد)، ۱۳۸۵، اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

علامه مجلسی، بحار الأنوار، (۱۰۳۷-۱۱۱۰ هجری).

کریانگ ساک کستی شیپریزی، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، سمت، تهران، ۱۳۸۳.

Raphael, Leman (1997), Genocide as a Crime under international law, Ajill.